

ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی، هویت ایرانی

نیلوفر توکلی*



بدون تردید، انقلاب اسلامی، از مهم‌ترین رخداد‌های دینی، سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران است که در تحول ادبی معاصر ایران نقش فراوانی ایفا کرده است. با این حال، باید اجمالاً به این نکته هم اشاره کرد که آثار برجسته و ماندگار در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای نیست که رضایت خاطر علاقه‌مندان به این حوزه را جلب کند. از جمله کارهایی که در حوزه تحقیقات ادبیات انقلاب اسلامی، با رویکردی ملی و دینی تألیف شده، کتاب ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی است که در ۴۱۴ صفحه و ۳ فصل، به همراه پیشگفتار و مقدمه، تدوین و از سوی پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است. این کتاب که به قلم دکتر حسینعلی قبادی است، می‌کوشد تا مدخلی را برای ورود به مباحث و مسائل بنیادی‌تر درباره انقلاب اسلامی فراهم آورد؛ مباحث و مسائلی که به قول نویسنده، «در دست پژوهش است».

شایان ذکر است که بررسی و نقد همه‌جانبه این کتاب، فرصت دیگری را می‌طلبد؛ اما آنچه اجمالاً در پی می‌آید، نگاهی گذرا به کتاب و معرفی آن است.

نویسنده، کتاب خود را به چهار شاعر در گذشته انقلاب اسلامی: طاهره صفارزاده، سلمان هراتی، سیدحسن حسینی و قیصر امین‌پور، و به جانباز شهید، ناصر قبادی، تقدیم کرده است و کلامی از شادروان دکتر علی‌محمد حق‌شناس درباره طاهره صفارزاده را مدخل ورود به کتاب قرار داده است. کتاب، پیش از پیشگفتار و مقدمه، دارای دو فهرست است؛ فهرست اجمالی و فهرست تفصیلی. پس از آن، متن کتاب با پیشگفتار و مقدمه آغاز شده و در سه فصل کلی تدوین یافته است. فصل اول، که عنوان «افق‌ها و سرچشمه‌ها» را با خود دارد، ۵ گفتار را در بر می‌گیرد:

ادبیات فارسی، هسته مرکزی هویت ایرانی؛ دیدگاه زیبایی‌شناسی امام خمینی؛ ظرفیت‌های ادبیات فارسی در بازبایی هویت ایرانی؛ همزادی جلال و جمال در ادبیات انقلاب اسلامی؛ امام خمینی، دال برتر در شکل‌گیری شعر انقلاب اسلامی.

* ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی، هویت ایرانی
 * دکتر حسینعلی قبادی
 * چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ۱۳۸۹

بحث درباره ادبیات انقلاب اسلامی از مهم‌ترین مباحثی است که با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب اسلامی، ضرورت دارد به طوری جدی به آن پرداخته شود و ویژگی‌های سبکی، تحولات صوری و محتوایی آن معلوم و نقاط ضعف و قدرتش مشخص شود. گرچه در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، کارهای فراوانی صورت گرفته و در این سال‌ها آثار ادبی متعدّد و متنوعی در قالب‌های شعر، داستان، رمان، خاطره‌نویسی و ... به بازار نشر سپرده شده است، اما هنوز آن گونه که باید و شاید، موضوع ادبیات انقلاب از ابعاد گوناگون بررسی نشده است و پژوهش‌های انجام‌شده آن گونه که شایسته و در خور انقلاب اسلامی باشد، در بوتۀ نقد قرار نگرفته است. بدیهی است رخداد‌های سیاسی و اجتماعی و اعتقادی، در ادبیات هر ملّتی در هر دوره‌ای اثرگذار بوده است و

«تشانه‌های دگرگونی‌ها و تمایزات عناصر، مضامین و قالب‌های ادبی»، عنوان فصل دوم است که آن هم شامل ۵ گفتار است تحت عناوین: بررسی چند تحول عمده شعر فارسی؛ تأثیر امام خمینی در غنای شعر معاصر؛ تأثیر دکتر شریعتی در غنای شعر معاصر فارسی؛ تحلیل پیوندهای موسیقی و مضمون در شعر جنگ و تحلیلی بر جلوه‌های سمبولیسم اجتماعی. اما فصل سوم کتاب تحت عنوان «ادبیات انقلاب اسلامی و دگرگونی‌های فرهنگ» آمده است و شامل ۳ گفتار زیر است:

جلوه‌های ارزش‌آفرینی شهدای دانشجو در شعر دفاع مقدس؛ درآمدی بر ادبیات داستانی عصر انقلاب اسلامی؛ انعکاس گسسته نسلی در رمان‌های معاصر فارسی.

در پایان کتاب هم نویسنده، صفحاتی را به سخن فرجامین اختصاص داده و مطلب خود را در ۴ محور خلاصه کرده است:

کارکرد و نقش زبان در پیوستگی نظام فرهنگی؛ ادبیات فارسی، عنصر پایدار و همسازکننده مؤلفه‌های هویت ایرانی؛ همراهی و هم‌سرنوشتی ادبیات فارسی و هویت ایرانی در طول تاریخ ایران؛ نتیجه تألیف حاضر این نتیجه‌گیری در ۶ بند خلاصه شده است:

پیوند انقلاب اسلامی با جوهره ادب پُرشکوه کلاسیک فارسی؛ بازتاب هویت ملی در ادبیات کلاسیک و ادبیات عهد انقلاب اسلامی؛ فراز و فرودها در عرصه هویت ملی در تاریخ ایران؛ تأثیر انقلاب اسلامی و رهبر آن بر بازگشت ادبیات به سنت‌های اصیل دینی و ملی؛ بررسی تعامل دوجانبه میان زبان و ادبیات فارسی انقلاب با هویت ملی؛ هم‌تباری و خویشاوندی میان رویکردهای ادبیات انقلاب با پیشینه و مضامین ادب فارسی.

در پایان، بعد از ذکر منابع و مأخذ، نمایه نام‌ها و کتاب‌ها نیز آمده است. با مروری اجمالی که بر ساختار کتاب شد، این نکته معلوم می‌شود که نویسنده محترم با نگاهی همه‌جانبه به سه مسئله مهم، یعنی ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ملی، توجه نموده و کوشیده است تا با برقراری پیوندی منطقی بین ادبیات، به عنوان مهم‌ترین عنصر هویت‌ساز، با هویت ملی و ارتباط دادن آن دو با انقلاب اسلامی، به پرسش‌هایی در زمینه رابطه ادبیات و هویت ایرانی پاسخ دهد.

علاوه بر عنوان پژوهش، که بسیار مهم و مورد نیاز جامعه امروز، به‌ویژه نسل جوان است، کتاب از مزایای دیگری هم برخوردار است که اهم آنها از این قرار است:

پژوهشگر در پیشگفتار کوشیده است تا برای پژوهش خود سؤالاتی را پیش روی خواننده قرار دهد؛ او می‌نویسد:

«نگارنده در تأملات سال‌های اخیر، با بیش از پنجاه پرسش پیرامون ابعاد گوناگون ادبیات انقلاب اسلامی روبه‌رو شده است که اگر لطف الهی شامل حال شود، در کتابی مستقل، به عنوان جلد دوم اثر حاضر، به آنها خواهد پرداخت.

پرسش‌هایی در حوزه‌های بنیادین معرفتی و پایه‌های نظری ادبیات این روزگار، از این دست که: حقیقت ادبیات انقلاب اسلامی کدام است؟ ماهیت آن چیست؟ هویت آن چه مؤلفه‌هایی دارد؟ چه شاخصه‌هایی را می‌توان پیدا کرد که بیانگر رسیدن این ادبیات به مرز سبک مستقل، یا دربردارنده رویکرد و نظریه مستقل باشد؟ ادبیات «عهد انقلاب اسلامی» درست است یا «ادبیات انقلاب اسلامی»؟ ویژگی‌های بنیادین و شاخصه‌های اصلی آن کدام است؟ رهیافت زیبایی‌شناسانه این ادبیات کدام است؟ وجه تمایز آن با ادبیات پیش

از این دوره کدام است؟ با ادبیات انقلاب‌های بزرگ دنیا چه تفاوت‌هایی دارد؟ آبشخورها و سرچشمه‌های آن کدامند؟ زمینه‌ها و عوامل تشکیل‌دهنده آن کدامند؟ مرز و حدود دین و اسطوره و حماسه و عرفان در این ادبیات کجاست؟ در این ادبیات، فرق عناصر و صورت‌های ادبی با اسطوره، غلو و مبالغه، با کلام عادی و تفخیم و تقلیل‌گرایی و تحقیر و دروغ کدام است؟ و دهها پرسش بنیادین دیگر که پاسخ‌های آنها، بی‌گمان شالوده و سامانه منطقی طرح جامع ادبیات انقلاب اسلامی را می‌تواند بسازد» (قبادی، ۱۳۸۹: بیست و یک - بیست و دو)

وی همچنین بر ضرورت و اهمیت طرح این پرسش‌ها تأکید کرده و برای نمونه، به سؤال «مرز دین، اسطوره، حماسه و عرفان در ادبیات انقلاب اسلامی کدام است؟» (همان: بیست و دو) پاسخی کوتاه داده که خلاصه آن چنین است: «جان کلام اینکه، اسطوره نه دین است و نه جهان‌بینی است؛ نه جانشین دین می‌تواند باشد، نه به عوض بخشی از مضامین یا مفاهیم دینی خواهد بود. اینکه اسطوره یک استعاره است، یک عنصر کلیدی و مفهوم‌بنیادی ادبی است، مثل تشبیه، رمز ادبی، کنایه ادبی، تمثیل، ضرب‌المثل و مثال آوردن، بیان کردن و... اسطوره از حیث حقیقت وجودی، از نظر ماهیت موضوع و هدف و از دیدگاه هویت عملکردی و در تراجم و تداخل، حتی پیوندی با دین ندارد و نباید داشته باشد» (همان: بیست و سه - بیست و چهار).

اگرچه این شیوه معمول نیست و مقصود از سؤالات تحقیق و ضرورت تحقیق، آن است که توجه پژوهشگران به مسئله یا مسائل تحقیق جلب شود و اهمیت این توجه مورد تأکید قرار گیرد، و قاعدتاً باید پژوهشگر به سؤالات تحقیق خود در پایان پژوهش پاسخ دهد، اما به هر روی، توجه مؤلف کتاب به این دو نکته مهم، یعنی سؤالات تحقیق و اهمیت پژوهش، به قوت کتاب افزوده است.

از مزیت‌های دیگر کتاب، فصل‌بندی‌ها و بخش‌بندی‌های کتاب است، که هر فصل و هر گفتاری با مقدمه‌ای شروع می‌شود و در پایان هر فصل، نتایج بحث نیز به صورت فشرده و جمع‌بندی‌شده ارائه می‌گردد. البته جمع‌بندی‌ها و نتیجه‌گیری‌های فصول، مانع از ارائه جمع‌بندی نهایی در پایان کتاب نشده و نویسنده در «سخن فرجامین» خود، بخشی را به «نتیجه تألیف حاضر» اختصاص داده است.

منابع و مأخذ متنوع و متعدد کتاب، که بالغ بر ۲۰۰ مأخذ است، حکایت از گستردگی کار و تلاش مؤلف برای تدوین کتابی علمی و مستند دارد.

کارهای آماری در اشعار شاعران و نویسندگان حوزه ادبیات انقلاب اسلامی، مانند علی شریعتی، علی موسوی گرمارودی، حسن حسینی، قیصر امین‌پور، از جمله ارائه جدولی برای انواع نمادها و کاربرد آنها و بسامد هر کدام، از مزیت‌های دیگر این کتاب است.

با این حال، نداشتن تعاریفی دقیق از اصطلاحات تحقیق، مانند هویت ملی یا ایرانی و سلیس نبودن نثر نویسنده در بعضی از مواضع کتاب، از جمله ایرادتی است که در نگاه اول به چشم می‌آید.

انجام سخن اینکه باید نگارش این گونه آثار را برای ثبت و ضبط ادبیات انقلاب اسلامی و انتقال آن به نسل‌های آینده، ارج نهاد و منتظر تحقق قول نویسنده محترم کتاب، مبنی بر ارائه پژوهشی کامل و همه‌جانبه درباره ادبیات انقلاب اسلامی، ماند.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.